



A Comparative Study of the Behavior of the Promised Figure in Judaism and Islam toward the Followers of Other Religions

Dr.Ali Ranjbar ¹

Abstract

In the texts and teachings of both Judaism and Islam, there is a promise regarding the advent of an individual in the End of Days (ākhir al-zamān) who will emerge as a savior, whose religion will prevail over all other faiths, and who will fill the world with justice and equity. The question that arises here is: how will the promised savior of these religions behave towards the followers of other faiths? In this study, the behavior of the promised saviors in both Judaism and Islam towards the followers of other religions is comparatively investigated. The findings indicate that the Jewish promised savior, known as the Messiah (Māshīah), upon his advent and the establishment of his government, will initially invite all of humanity to the Mosaic Law. The majority of people, due to the knowledge and insight they acquire, will accept this invitation. However, individuals who reject this call and engage in hostility towards the Jews will be eliminated by the Messianic government. Similarly, the Islamic promised savior, [Imam Mahdī], at the beginning of his advent, will invite all people to Islam by demonstrating its truth. Most people, as a result of this enlightenment, will accept his invitation and embrace Islam. Those who reject Islam and exhibit hostility towards Muslims will be killed. Therefore, the behavior of the promised saviors in Judaism and Islam towards the followers of other religions bears a striking resemblance. Each of the two promised saviors, after presenting the proofs of the truth of their religion and finalizing the conclusive argument, will eliminate the polytheists (mushrikūn) and their other enemies. From this similarity in behavior, it can be concluded that the promised savior in Judaism is the very same promised savior in Islam.

Keywords: Promised Savior (Maw'ūd), Messiah (Māshīah), Imam Mahdī, Judaism, Islam, Religions

1. PhD in Religions and Mysticism, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran(ali.ranjbar.1359.324@gmail.com)

بررسی تطبیقی رفتار موعود یهود و موعود اسلام با پیروان سایر ادیان*

علی رنجبار^۱

چکیده

در متون و تعالیم هر یک از ادیان یهودیت و اسلام، وعده به ظهور شخصی در آخرالزمان داده شده که به عنوان منجی ظهور خواهد کرد و دین او بر همه ادیان غلبه خواهد کرد و جهان پر از عدل و داد خواهد شد. پرسشی که در این جا مطرح می شود این است که، رفتار موعود این ادیان، با پیروان سایر ادیان چگونه خواهد بود؟ در این نوشتار، رفتار هر کدام از موعودیها و اسلام با پیروان سایر ادیان، به صورت مقایسه ای مورد پژوهش قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد که موعودیها، که ماسیح نام دارد، پس از ظهور و تشکیل حکومت، در ابتدا همه بشر را به شریعت موسوی دعوت خواهد نمود و بیشتر مردم نیز به دلیل معرفت و بینشی که پیدا می کنند، این دعوت را خواهند پذیرفت. اما افرادی که این دعوت را نپذیرند و با یهودیان به دشمنی بپردازند، توسط حکومت ماسیح از بین خواهند رفت. موعود اسلام نیز، در آغاز ظهور، با بیان حقانیت اسلام، همه مردم را به آن دعوت خواهند نمود، بیشتر مردم به دلیل این آگاهی بخشی، دعوت وی را پذیرفته و مسلمان خواهند شد. کسانی که اسلام را نپذیرند و به دشمنی با مسلمانان بپردازند، کشته خواهند شد. بنابراین رفتار موعودیها و اسلام با پیروان سایر ادیان، شباهت زیادی با یکدیگر دارد. هر کدام از دو موعود، پس از بیان ادله حقانیت دین خود و اتمام حجت، مشرکان و دشمنان خود را از بین خواهند برد. از این شباهت در نوع رفتار، می توان نتیجه گرفت که منجی وعده داده شده در یهودیت همان منجی وعده داده شده در اسلام است.

واژگان کلیدی

موعود، ماسیح، مهدی، یهود، اسلام، ادیان.

مقدمه

هر یک از دین یهودیت و اسلام مژده به آمدن مردی در آخرالزمان داده اند. به اعتقاد یهودیان سرانجام، شخصی به نام ماسیح ظهور خواهد کرد و آنها را از آوارگی و پراکندگی نجات خواهد داد و با مرکزیت اورشلیم و احیای شریعت موسوی حکومت جهانی تشکیل خواهد داد. از دیدگاه اسلام نیز در آخرالزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد و با غلبه اسلام بر ادیان دیگر، حکومت جهانی تشکیل خواهد داد. پرسشی که در این جا مطرح می شود،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۳

۱. دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران (ali.ranjbar.1359.324@gmail.com).

چگونگی رفتار موعود یهود و اسلام با پیروان سایر ادیان است. براساس متون مقدس یهودی، ماشیح پس از ظهور، همه اقوام و ملت‌های غیریهودی را به شریعت موسوی دعوت خواهد نمود. همه آنان به یهودیت خواهند گروید، چنانچه برخی آن را نپذیرند و با یهودیان و شریعت موسوی دشمنی بورزند، ماشیح آنان را از بین خواهد برد. براساس آیات و روایات اسلامی نیز، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل حکومت خواهد داد و با تبیین و تبلیغ عقاید دین اسلام، همه بشر را به آن دعوت خواهد نمود، با روشن شدن حقانیت اسلام، بیشتر مردم آن را خواهند پذیرفت، و چنانچه برخی آن را نپذیرند، توسط حکومت مهدوی از بین خواهند رفت. برخی از آیات و روایات دلالت بر وجود اهل کتاب در عصر ظهور می‌کنند، اما با توجه به آیات و روایات زیادی که به روشنی دلالت بر غلبه اسلام بر ادیان دیگر در عصر ظهور دارند، می‌توانیم بگوئیم که تعداد کمی از اهل کتاب، به گونه‌ای که منافاتی با غلبه داشتن اسلام ندارد، باقی خواهند بود، که اسلام را نپذیرند. یا می‌توانیم بگوئیم که این روایات مربوط به دوره اول عصر ظهور هستند. اما در دوره دوم عصر ظهور که دوره تشکیل حکومت مهدوی و ارشاد و هدایت است، تنها دین اسلام وجود دارد و سایر ادیان نابود می‌شوند. با مقایسه رفتار موعود یهود و اسلام با پیروان سایر ادیان، شباهت زیادی به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد شخص وعده داده شده در متون یهودیت همان شخص وعده داده شده در منابع اسلام است.

رفتار موعود یهود با پیروان سایر ادیان

ماشیح در اندیشه یهود

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان علیه السلام برگرداند (توفیقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۱). در متن عهد عتیق عبارات بسیاری درباره ظهور منجی موعود و اوصاف و ویژگی‌های او وجود دارد. مثلاً در کتاب اشعای نبی، مزده ظهور این موعود یهود، چنین بیان شده است:

و نهالی از تنهٔ یسی بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. و روح یهوه بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس یهوه. و خوشی او در ترس یهوه خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد. و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد. و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده شیران را به نفخهٔ لب‌های خود خواهد گشت.

و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود، و کمر بند میانش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت. و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید. و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند. و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید. و شیر مثل گاو، گاه خواهد خورد. و طفل شیرخواره بر سوراخ مار، بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدس م، ن ضرر و فسادى نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت یهوه پر خواهد بود، مثل آب هایی که دریا را می پوشاند (اشعیا ۹: ۱۱-۱).

نام موعود مورد انتظار یهودیان، "ماشیح" (به معنای مسح شده) است. در سنت یهودی پادشاهان توسط پیامبران با روغن مسح می شدند و از این طریق نوعی قداست پیدا می کردند. چنان که سموئیل نبی عليه السلام، شائول و داوود عليه السلام را برای پادشاهی مسح کرد: «پس فرستاده او را آورد و او سرخ رو و نیکو چشم و خوش منظر بود و یهوه گفت: "برخاسته او را مسح کن زیرا که همین است." پس سموئیل حقه روغن را گرفته او را در میان برادرانش مسح نمود. و از آن روز به بعد، روح یهوه بر داود مستولی شد، و سموئیل برخاسته به رame رفت» (اول سموئیل ۱۳: ۱۶-۱۲). پس ماشیح لقب پادشاهان قدیم بنی اسرائیل بود که روغن بر سر آنان مالیده می شد و نوعی قداست پیدا می کردند (توفیقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۱).

از نظر عموم اندیشمندان یهودی، خلقت ماشیح از جمله اهداف خداوند در جهت ایجاد صلح و صفا در جهان و سعادت بشر بوده است. به اعتقاد عالمان یهودی نام ماشیح از جمله هفت چیزی است که قبل از بوجود آمدن عالم هستی، آفریده شده است (کهن، ۱۸۸۷/م ۱۳۹۰، ص. ۳۵۲).

برخی از دانشمندان یهود، با توجه به این عبارت کتاب مقدس که می گوید: «بعد از آن بنی اسرائیل برگشته و خداوند، خدای خود و داود، پادشاه خویش را خواهند طلبید» (هوشع ۵: ۳)، معتقدند که ماشیح همان داوود پادشاه می باشد. اما برخی دیگر با استناد به عبارت دیگر کتاب مقدس که می گوید: «نجات عظیمی به پادشاه خود می دهد و به ماشیح خویش احسان می کند، یعنی به داوود و به ذریت او تا به ابد» (مزمیر ۵۱: ۱۸)، معتقدند که ماشیح خود داوود عليه السلام نیست، بلکه از نسل او می باشد.

نام های دیگری نیز عالمان یهودی، با توجه به فقرات و تعبیرات کتاب مقدس، برای ماشیح بیان نموده اند. چرا که در آنها سخن از آینده جهان و یهود است، که شخصی خواهد آمد و کارکردهایی خواهد داشت. مانند، نام «شیلو» که از این عبارت عهد عتیق گرفته شده است:

«تا شیلو بیاید. و مر او را اطاعت امت‌ها خواهد بود» (سفر پیدایش ۴۹: ۱۰). یا نام «یینون» که به معنای دوام آوردن پیش آفتاب است «اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد» (مزامیر، ۷۲: ۱۷). نام‌های دیگری که با توجه به عبارات عهد عتیق بیان شده است: «بَر نَفْلِه» به معنای بر پاکننده افتاده (عاموس ۹: ۱۱)، «صمح» به معنی شاخه، نهال (زکریا ۶: ۱۲).

ماشیح پس از ظهور، بنی اسرائیل را از دست ستمگران و ظالمان نجات خواهد داد. ماشیح اسباط پراکنده یهود را گرد هم خواهد آورد و حکومت واحدی در اورشلیم تشکیل خواهد شد. ارمیای نبی علیه السلام درباره منجی موعود می‌گوید:

خداوند می‌گوید اینک ایامی می‌آید که شاخه عادل برای داوود علیه السلام برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را در زمین مجرا خواهد داشت. در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد (ارمیا ۲۳: ۵-۶).

در جایی دیگر می‌خوانیم:

خدا خاندان یعقوب را گرد هم (میکاه ۲: ۱۲) زیر پرچم پادشاه عادل از خاندان داوود علیه السلام (ارمیا ۲۳: ۵-۶) جمع می‌کند و دیگر تنها یک امت و یک مملکت خواهند بود (حزقیال ۳۷: ۲۲).

بنی اسرائیل وارثان زمین در عصر ماشیح هستند. «و به شما گفتم شما وارث این زمین خواهید بود و من آن را به شما خواهم داد و وارث آن بشوید زمینی که به شیر و شهد جاری است. من یهوه خدای شما هستم که شما را از امت‌ها امتیاز کرده‌ام» (لاویان ۲۴: ۲۰).

رفتار ماشیح با مشرکان و شریران

در عصر ظهور ماشیح، با بنی اسرائیل چنان که بیان شد، به صورت قوم برگزیده خدا رفتار خواهد شد و آنها سرور عالم و دارای قدرت جهانی خواهند شد. اما درباره این که رفتار ماشیح با مشرکان و شریران چگونه خواهد بود، به بررسی عبارات متون مقدس یهود در این مورد می‌پردازیم.

بت‌پرستی مقدم بر گناهان دیگر به طور صریح در کتاب مقدس نهی شده است چرا که موجب نابود شدن مذهب و اخلاق و انکار نبوت و حقیقت الهام می‌شود. «به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان یا از آنچه پائین در زمین یا از آنچه در آب‌های زیر زمین است مساز. آنها را سجده و عبادت منما» (تثنیه ۹: ۵-۸).

بت پرستی در یهودیت گناه بزرگی است. چنان که براساس فتوای دانشمندان یهود، اگر کسی برای ترک دستورات تورات، تهدید به کشتن شود، نمی تواند فرمان مربوط به بت پرستی را ترک کند، در حالی که برخی دیگر از دستورات تورات را می تواند ترک کند (کهن، ۱۸۸۷/م ۱۳۹۰، ص. ۳۱).

ماشیح پس از ظهور همه امت های مشرک را نابود خواهد کرد (گرینستون، ۱۳۸۷، ص. ۶۵). زیرا از دیدگاه تورات، بت پرستان دشمن خدا هستند و خداوند وعده داده، که دشمنانش در عصر ظهور نابود خواهند شد. «آنانی که با یَهُوه مخاصمه کنند، شکسته خواهند شد. او برایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد. یَهُوه، اقصای زمین را داوری خواهد نمود و به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید» (اول سموئیل ۱۰: ۲).

مزامیر نیز، از نابودی دشمنان خدا خبر داده، چنین می خوانیم:
زیرا شیریان هلاک می شوند و دشمنان یَهُوه مثل خرمی مرتع ها فانی خواهند شد. بلی، مثل دخان فانی خواهند گردید (مزامیر ۲۰: ۳۷).

ماشیح در عصر ظهور، شیریان و خطاکاران را نابود خواهد کرد. اما صالحان نجات یافته و وارث زمین خواهند شد. در کتاب مزامیر چنین می خوانیم:

از غضب برکنار شو و خشم را ترك كن. خود را مشوش مساز كه البته باعث گناه خواهد شد. زیرا كه شیریان منقطع خواهند شد. و اما منتظران یَهُوه وارث زمین خواهند بود. هان بعد از اندك زمانی شریر نخواهد بود. در مكانش تأمل خواهی كرد و نخواهد بود. و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید... بازوهای شیریان شكسته خواهد شد. و اما صالحان را یَهُوه تأیید می كند... شیریان هلاک می شوند و دشمنان یَهُوه مثل خرمی مرتع ها فانی خواهند شد. بلی مثل دخان فانی خواهند گردید... نسل شریر منقطع خواهد شد. صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود... خطاکاران جمیعا هلاک خواهند گردید و عاقبت شیریان منقطع خواهند شد و نجات صالحان از یَهُوه است (مزامیر ۳۷: ۸-۳۹).

کتاب ملاکی نیز درباره عاقبت متکبران و بدکاران در عصر ماشیح می گوید:
آن روزی که مثل تنور مشتعل می باشد خواهد آمد و جمیع متکبران و جمیع بدکاران، کاه خواهند بود. و یَهُوه صباوت می گوید: آن روز که می آید ایشان را چنان خواهد سوزانید که نه ریشه و نه شاخه ای برای ایشان باقی خواهد گذاشت (ملاکی ۱: ۴).

در کتاب اشعیا نیز درباره گناهکاران و عاصیان می خوانیم:

و هلاکت عاصیان و گناهکاران با هم خواهد شد و آنانی که یَهُوَه را ترك نمایند نابود خواهند گردید (اشعیا ۲۸: ۱).

پس ماشیح شریران را خواهد کشت و با مسکینان و مظلومان به عدالت داوری خواهد کرد. «بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده و شریران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت» (اشعیا ۱۱: ۹-۱۰).

رفتار ماشیح با ملل و اقوام غیریهودی

براساس متون مقدس یهودی، ماشیح در عصر ظهور، همه ملل جهان را به شریعت یهودی دعوت خواهد نمود. در کتاب اشعیا می‌خوانیم: «بنده خدا» نور همه ملت‌ها، پیامبر جهان و آموزگار امت‌ها خواهد بود تا آنان را به مبانی دین حقیقی و به پارسایی رهنمون شود (اشعیا ۸-۵: ۴۹ و ۷: ۴۲-۱). و نیز آمده است: «ای جمیع مردم زمین، به من توجه نمائید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست» (اشعیا ۲۲: ۴۵).

به عقیده برخی از یهودیان، بنی اسرائیل، «پیش از به دست آوردن برکات عصر مسیحایی، باید رسالت گسترده پیام وحی الهی را میان امت‌ها به انجام رسانند. برای تحقق این رسالت ملت‌ها نیز به اندازه بنی اسرائیل مؤظفند که یهودیت را ارج نهند و آن را بپذیرند» (گرینستون، ۱۳۸۷، ص. ۹۲).

به اعتقاد یهودیان ماشیح در دوران ظهور، حکومت جهانی و الهی تشکیل خواهد داد و مرکز آن اورشلیم خواهد بود و همه ملت‌ها به طرف آن خواهند رفت و آن را خواهند پذیرفت. براساس عهد عتیق، اورشلیم در عصر ماشیح این‌گونه خواهد بود: مرکز دینی جهان و افتخار همه نسل‌ها خواهد بود. زیبا، و بر پارسایی استوار خواهد بود و ساکنان آن خدای اسرائیل را مورد ستایش قرار خواهند داد. سایر ملل جهان، عقاید بنی اسرائیل را قبول خواهند کرد «تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست. من یَهُوَه هستم و دیگری نی». معبد، عبادتگاه سایر ملل جهان خواهد بود تمام بشر در اورشلیم جمع خواهند شد و در برابر خدا سجده خواهند کرد (گرینستون، ۱۳۸۷، صص. ۳۲-۳۳).

بنابراین به اعتقاد یهودیان، از نسل داوود، پادشاه بزرگی قیام خواهد کرد، و حکومتش را در تپه صهیون، به امر خدا و دمیده شدن روح خدا در او تشکیل خواهد داد. آن‌جا سرزمین نمونه‌ای خواهد شد، و همه ملت‌ها برای کسب علم و معرفت به راه‌های الهی، روانه آن

سرزمین خواهند شد (گرینستون، ۱۳۸۷، ص. ۳۰).

در فصل دوم اشعیا چنین می خوانیم:

و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه یَهُوه بر قله کوه ها ثابت خواهد شد، و فوق تل ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امت ها به سوی آن روان خواهند شد. و قوم های بسیار، عزیمت کرده خواهند گفت: «بیائید تا به کوه یَهُوه و به خانه خدای یعقوب برآئیم تا طریق های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه های وی سلوک نمائیم.» زیرا که شریعت از صهیون و کلام یَهُوه از اورشلیم صادر خواهد شد (اشعیا ۳: ۲-۲).

عهد الهی در آخرالزمان همه تاریخ بشر را در برمی گیرد و همه امت ها در اورشلیم جمع خواهند شد و از شریعت پیروی خواهند کرد (یسوعی، ۱۹۸۸ م، ص. ۵۷۷).
براساس کتاب مقدس، در عصر ظهور درک و آگاهی همگان افزایش خواهد یافت و پرستش خداوند به صورت همگانی خواهد شد. «و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت یَهُوه پرخواهد بود مثل آب هایی که دریا را می پوشاند» (اشعیا ۹: ۱۱).

در کتاب صفینا نیز به این مطلب اشاره شده می گوید:

زیرا که در آن زمان زبان پاك به امت ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یَهُوه را بخوانند و به يك دل او را عبادت نمایند (صفینا ۹: ۳).

همچنین در کتاب زکریا می خوانیم:

و یَهُوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آنروز یَهُوه واحد خواهد بود و اسم او واحد (زکریا ۹: ۱۴).

در عصر ظهور، ماشیح در میان همه امت ها داوری خواهد نمود و اقوام بسیاری را تنبیه خواهد کرد و هیچ امتی بر امتی دیگر شمشیر نخواهد کشید، و میان آنها جنگی صورت نخواهد گرفت. «و او امت ها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای اژه ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت» (اشعیا ۴: ۲).

خداوند در عصر ظهور، امت ها را تسلیم ماشیح خواهد نمود و ایشان را بر پادشاهان مسلط خواهد کرد. «کیست که کسی را از مشرق برانگیخت که عدالت او را نزد پای های وی می خواند؟ امت ها را به وی تسلیم می کند و او را بر پادشاهان مسلط می گرداند. و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل کاه که پراکنده می گردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود» (اشعیا ۲: ۴۱).

با توجه به این عبارت چنین به نظر می‌رسد که ماشیح، پس از ظهور بر تمام جهان تسلط خواهد داشت و همه امت‌ها و انسان‌ها چه یهودی و چه پیروان سایر ادیان، به اجبار باید مطیع ایشان باشند. در پیدایش نیز می‌خوانیم: «عصا از یهودا دور نخواهد شد. و نه فرمان فرمایی از میان پای‌های وی تا شیلو بیاید. و مر او را اطاعت امت‌ها خواهد بود» (پیدایش ۱۰: ۴۹). کسانی که با ماشیح دشمنی کنند، توسط حکومت ماشیح نابود خواهند شد. «اینک همه آنانی که بر تو خشم دارند خجل و رسوا خواهند شد و آنانی که با تو جنگ نمایند ناچیز شده هلاک خواهند گردید» (اشعیا ۱۱: ۴۱).

جمع بندی

ماشیح پس از ظهور و تشکیل حکومت، پیروان سایر ادیان را به شریعت یهودی و پرستش خدای واحد دعوت خواهد نمود و آنها نیز به دلیل افزایش علم و آگاهی و یا به جهت اقتدار حکومت آن را خواهند پذیرفت، و چنانچه برخی از پذیرش آن امتناع کنند و بایهودیان دشمنی ورزند، به وسیله حکومت ماشیح از بین خواهند رفت.

اشکال

یهودیان خود را قوم برتر می‌دانند و سایر مردم را انسان‌های درجه دو می‌دانند. آنان تبلیغ و تلاشی در جهت جذب پیروان سایر ادیان به یهودیت ندارند. این فضای بسته در یهودیت، چگونه با دیدگاه دعوت ملل و اقوام غیریهودی توسط ماشیح به شریعت یهودی در عصر ظهور، و گرویدن آنان به یهودیت، سازگار است.

پاسخ

رسالت حضرت موسی علیه السلام مخصوص بنی اسرائیل نبوده است. چنان که حضرت موسی علیه السلام مأمور دعوت قوم فرعون شدند، در حالی که از بنی اسرائیل نبودند:

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولُ كَرِيمٍ﴾ (دخان: ۱۷)؛

و ما پیش از این امت، قوم فرعون را آزمودیم و رسولی بزرگوار (مانند موسی علیه السلام) به سوی آنها فرستادیم.

بنابراین شریعت موسی علیه السلام مختص قوم یهود نبوده است. اما قوم یهود به دلیل نژادپرستی و دنیاطلبی منحرف شدند و شریعت موسی علیه السلام را مختص خود دانستند.

دیدگاه عالمان یهودی درباره جایگاه نوکیشان یهودی متفاوت است. برخی از ایشان، براساس عباراتی از عهد عتیق، که قوم یهود را قومی خاص و برگزیده معرفی نموده، یهودیان را

دارای جایگاه ویژه‌ای می‌دانند. چنان‌که یهودا لوی معتقد است، یهودیان از لحاظ ساختار روحی با غیریهودیان تفاوت دارند، یهودیان قابلیت دارند که می‌توانند از اراده خدا آگاهی یابند اما غیریهودیان چنین قابلیت ندارند، هر چند به یهودیت بگروند (آنترمن، ۱۹۹۶م/۱۳۹۳، ص. ۳۴۹).

اما براساس دیدگاه دیگری، قوم اسرائیل دارای برتری ذاتی نسبت به سایر ملل جهان نمی‌باشد و برگزیدگی این قوم به دلیل قبول کردن و پذیرفتن تورات است و در صورت روی گرداندن از تورات، مقام خود را از دست خواهند داد (کهن، ۱۸۸۷م/۱۳۹۰، ص. ۸۲) و مغضوب خدا خواهند شد. در کتاب ارمیا آمده است:

(ای اورشلیم) موی خود را تراشیده دور بینداز و بر بلندی‌ها، آواز نوحه برافراز، زیرا یَهُوَه طبقه مغضوب خود را ردّ و ترك نموده است. چونکه یَهُوَه می‌گوید، بنی یهودا آنچه را که در نظر من ناپسند است به عمل آوردند و رجاسات خویش را در خانه‌ای که به اسم من مسمی است، برپا نموده آن را نجس ساختند (ارمیا ۳۰/۷-۲۹).

بنابراین براساس دیدگاه دوم، یک تازه‌کیش یهودی به مانند سایر یهودیان است. «غیریهودیانی که از روی پاکی نیت و علاقه به دین یهود در می‌آیند، بسیار مورد احترام هستند» (کهن، ۱۸۸۷م/۱۳۹۰، ص. ۸۳). برخی عالمان یهودی، مقام غیریهودیانی را که به دستورات تورات عمل کنند، با مقام کاهن اعظم برابر دانسته‌اند (کهن، ۱۸۸۷م/۱۳۹۰، ص. ۸۳).

دیدگاه رانیون درباره یهودی شدن سایر اقوام جهان در عصر مسیحا، متفاوت است. به اعتقاد برخی از آنان، امکان یهودی شدن اقوام غیریهودی وجود نخواهد داشت. زیرا گرویدن به یهودیت در آن زمان به جهت ایمان حقیقی به اصول یهودیت نمی‌باشد، بلکه به طمع استفاده از نعمات و شادی‌های آن زمان می‌باشد. اما از نظر برخی دیگر، امکان گرویدن به یهودیت برای همه ملل جهان، هر چند به سختی، وجود خواهد داشت (گرینستون، ۱۳۸۷، ص. ۶۷).

رفتار موعود اسلام با پیروان سایر ادیان

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در اسلام

عقیده به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه یک عقیده کاملاً اسلامی است که ریشه‌های ثابت آن در کتاب و سنت به طور صحیح و متواتر قرار دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۵). خداوند در سوره انبیاء

می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛
در "زبور" بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین
خواهند شد!

امام باقر علیه السلام در مورد این آیه می‌فرماید مراد از کلمه «ذکر» در ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا...﴾ همه
کتاب‌های (پیامبران) است. و مراد از ﴿أَنَّ الْأَرْضَ...﴾ قائم عجل الله تعالی فرجه و یاران او می‌باشد. «قال
الكتب كل ها ذكر أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، قال: القائم عليه السلام و أصحابه» (قمی، ۱۴۰۴ق،
ص. ۷۷).

در سوره توبه خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳)؛
او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه ادیان غالب
سازد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند!

با توجه به این‌که، چنین عصری که در آن دین اسلام بر همه ادیان غلبه کرده باشد، هنوز
تحقق نیافته است، بنابراین باید بگوئیم که این وعده الهی در آینده تحقق خواهد یافت و در
آن زمان دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد یافت.

رفتار با مشرکان در حکومت مهدوی

سیره انبیای الهی مبارزه با کافران و مشرکان و از بین بردن آنان بوده است، چرا که «انسان‌ها
همانند درختان از زمین می‌رویند و جهان آفرینش مانند یک مزرعه است و خدای سبحان
باغبانی است که آن را اداره می‌کند: «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا». ظالم و کافر نیز مانند علف
هرز است که باید آن را وجین کرد، تا مزاحم درخت‌های ثمربخش جوامع انسانی
نباشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳).

بنابراین کفر و شرک در نظام خلقت، محکوم به نابودی هستند و لذا سیره انبیا و اولیای
الهی بر مبارزه با شرک و کفر و گسترش عدل و داد بوده است. این سیره در عصر حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کامل خواهد یافت. آن حضرت پس از ظهور با اثبات حقانیت اسلام برای
همه مردم جهان، آنها را به پذیرش اسلام دعوت خواهند نمود. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام اسْتَأْنَفَ
دُعَاءَ جَدِيدًا كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۲۲). چنانچه کافران و مشرکان،

دعوت به اسلام را نپذیرند، به طور کامل از بین خواهند رفت. در سوره توبه خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳)؛

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آئین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود باشند.

امام صادق (ع) در مورد این آیه می‌فرماید:

... فَقَالَ وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ (ع) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (ع) لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَاقْتُلْنِي (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ص. ۶۷۰)؛

به خدا سوگند تاویل آن هنوز نازل نشده، و تاویل آن نازل نخواهد شد تا این که قائم (ع) خروج کند، پس چون قائم (ع) خروج نماید هیچ کافر به خدای عظیم، و هیچ مشرک به امامت باقی نماند، مگر این که خروج او را اکره دارد، تا این که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ (به زبان آمده) خواهد گفت: ای مؤمن درون من کافری است، مرا بشکن و او را بکش.

در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...﴾ فَقَالَ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدُ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَحَاجَةَ أَصْحَابِهِ فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ لِكَيْفَ يُقَاتِلُوا حَتَّى يُؤَخِّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَحَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ (كلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۰۱)؛

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر (ع) پیرامون تفسیر این آیه شریفه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...﴾ پرسیدم. حضرت فرمود: هنوز تاویل این آیه نیامده. همانا رسول خدا (ص) از سر نیازی که خود و اصحابش داشتند [و ناگزیر بودند با مشرکان و منحرفان بسازند] بدان‌ها مهلت داد، و روزی که تاویل این آیه برسد این مهلت از آنها پذیرفته نشود بلکه کشته شوند تا خدای عزوجل به یگانگی پرستش شود و شرکی به جای نماند.

پس چنان‌که از این روایات فهمیده می‌شود در عصر ظهور هیچ شرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند و همه مشرکان توسط حکومت مهدوی از بین خواهند رفت.

رفتار با اهل کتاب در حکومت مهدوی

حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور با اثبات حقانیت اسلام، بشر را به آن دعوت خواهند نمود. آن حضرت در جهت اثبات حقانیت اسلام با اهل کتاب مناظره خواهد نمود. اهل کتاب پس از شنیدن دلایل و اثبات حقانیت اسلام، باید اسلام را بپذیرند، و اگر از پذیرش آن ممانعت کنند از بین خواهند رفت. چرا که در آن زمان، تنها دین اسلام پذیرفته می شود و ادیان دیگر از بین خواهند رفت.

در سوره آل عمران خداوند می فرماید:

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳)؛

آیا آنها غیر از آئین خدا می طلبند؟! (آئین او همین اسلام است) و تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می شوند.

عَلَيْهِ السَّلَام
وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى

حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام این آیه را مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی دانسته اند. ابن بکیر می گوید:

سألت أبا الحسن عليه السلام عن قوله: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» قال: أنزلت في القائم عليه السلام إذا خرج باليهود والنصارى والصابئين والزنادقة وأهل الردة والكفار في شرق الأرض وغربها، فعرض عليهم الإسلام فمن أسلم طوعاً أمره بالصلاة والزكاة - وما يؤمر به المسلم - يجب لله عليه، ومن لم يسلم ضرب عنقه - حتى لا يبقى في المشارق والمغارب أحد إلا وحده الله، قلت له: جعلت فداك إن الخلق أكثر من ذلك فقال: إن الله إذا أراد أمراً قلل الكثير وكثر القليل (عباشی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۳)؛

ابن بکیر می گوید: «از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام درباره فرموده خداوند: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا) پرسیدم؛ فرمود درباره قائم علیه السلام نازل شد. هرگاه به پا خیزد، اسلام را بر یهود و نصاری و صابئیان و زنادقه و اهل ارتداد و کافران در شرق و غرب زمین، عرضه کند. پس هر آن که از روی فرمانبری و دلخواه مسلمان شود، او را به نماز و زکات و سایر کارهایی که یک مسلمان باید انجام دهد و برای خداوند بر او واجب می شود امر فرماید و هر که را اسلام نپذیرد، گردن می زند تا آن جا که در خاورها و باخترها هیچ کس نماند جز این که یکتایی خدا را بپذیرد. عرضه داشتیم: فدایتان گردم! خلایق بیش از آنند! فرمود: همانا اگر خداوند چیزی را بخواهد، بسیار را اندک و اندک را بسیار گرداند.

برخی روایات نشان می‌دهند که دعوت حضرت مهدی علیه السلام جهانی می‌باشد و کسانی که به آئین اسلام نگروند به قتل خواهند رسید. مانند آنچه درباره یاوران حضرت مهدی علیه السلام بیان شده که همه را دعوت به حق و اسلام می‌کنند.

... لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَإِلَى الْإِسْلَامِ، وَالْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالتَّوْحِيدِ، وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. فَمَنْ أَجَابَ مِنْهُمْ وَدَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ تَرْكُوهُ وَأَمَرُوا عَلَيْهِ أَمِيرًا مِنْهُمْ، وَمَنْ لَمْ يُجِبْ وَلَمْ يَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَمْ يَقَرَّ بِالْإِسْلَامِ، وَلَمْ يُسَلِّمْ قَتْلُوهُ، حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْمَجْلِلِ أَحَدٌ إِلَّا آمَنَ (حلی، ۴۲۱ق، ص. ۷۰)؛

اهل هر کیشی را به خدای عزوجل و اسلام و اقرار به پیغمبری محمد و توحید و ولایت ما اهل بیت دعوت می‌کنند، هر که بپذیرد و مسلمان شود او را رها می‌کنند و فرمانده و امیری از خودشان بر او می‌گمارند و هر که نپذیرد و اقرار به رسالت محمد و اسلام نکند و مسلمان نشود، او را می‌کشند تا در میان مشرق و مغرب و پائین کوهستان، کسی جز ایمان آورنده باقی نماند.

در برخی روایات بیان شده که در زمان ظهور، باب توبه بسته می‌شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه توبه افراد را قبول نمی‌کنند:

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمِّهِ لِي أُرِيدُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ اسْمُهُ اسْمِي قُلْتُ أَسِيرٌ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ هَمَّاتِ هَمَّاتِ يَا زُرَّارَةُ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمِرَ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبَ أَحَدًا وَيَلْ لِمَنْ نَاوَاهُ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۳۱)؛

زراره می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: نام یکی از شایستگان را - و مقصودم حضرت قائم علیه السلام بود - برای من بفرما. فرمود: نام او، نام من است. گفتم آیا همچون محمد رفتار می‌کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره، طبق رفتار او رفتار نمی‌کند. عرض کردم: فدایت شوم، چرا؟ فرمود: همانا رفتار رسول خدا در امتش با (مَنْت گذاشتن) بود. حضرتش با مردم الفت داشت. ولی رفتار امام قائم علیه السلام با کشتار است؛ زیرا در کتابی که به همراه دارد چنین دستور داده شده است که به کشتار رفتار نماید و توبه از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد.

بنابراین براساس آیات و روایات، حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور اهل کتاب و پیروان سایر ادیان را دعوت به اسلام خواهند نمود و بیشتر آنان این دعوت را خواهند پذیرفت و افراد اندکی که اسلام را نپذیرند از بین خواهند رفت. بنابراین در عصر ظهور، اسلام بر سایر ادیان

غلبه خواهد نمود.

پاسخ به اشکالات

اشکال اول

از برخی آیات و روایات چنین استفاده می شود که در دوران ظهور ادیان دیگری غیر از اسلام نیز وجود خواهند داشت. به عنوان نمونه خداوند در سوره اعراف می فرماید:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (اعراف: ۱۶۷)؛

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع، (و در عین حال، نسبت به توبه کاران) آمرزنده و مهربان است.

از این آیه به دست می آید که یهودیان به دلیل نافرمانی از دستورات خداوند تا روز قیامت دچار کیفر دنیوی خواهند بود. بنابراین یهودیان در عصر ظهور هم خواهند بود. از آیه ۱۴ سوره مائده، دوام مسیحیت نیز تا روز قیامت استفاده می شود.

در روایتی هم آمده که حضرت مهدی علیه السلام در دوران ظهور، با اهل کتاب براساس کتب خودشان داوری خواهد کرد. پس آنها وجود خواهند داشت و حضرت مهدی علیه السلام میان آنها داوری خواهند کرد.

... يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بَانُطَاكِيَّةٍ فَيَخْجُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۱)؛

حضرت مهدی علیه السلام تورات و تمام کتب آسمانی دیگر را از غاری که در انطاکیه هست بیرون آورده و بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می فرماید.

براساس برخی از آیات و روایات، حضرت مهدی علیه السلام اهل کتاب را ملزم به پرداخت جزیه خواهد نمود. در سوره توبه خداوند می فرماید:

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (توبه: ۲۹)؛

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمردند، و نه آئین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی

که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند!

براساس این آیه می‌توان گفت چنانچه اهل کتاب در عصر ظهور حاضر به پرداختن جزیه و زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان شوند در آن صورت آزاد خواهند بود.

در روایتی نیز ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی برخورد حضرت مهدی علیه السلام با اهل ذمه، سؤال کرده‌اند و حضرت در پاسخ فرموده‌اند که از آنها جزیه گرفته می‌شود:

قُلْتُ فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ قَالَ يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَتْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُؤَدُّونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۳۷۶).

یا در روایتی دیگر آمده که:

... فَيَبِيعُ مَلِكُ الرُّومِ يَطْلُبُ الْهَدَنَةَ مِنَ الْمَهْدِيِّ وَيَطْلُبُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْهُ الْجِزْيَةَ فَيَجِيبُهُ إِلَى ذَلِكَ... (یزدی حایری، ۱۴۲۲ق، ص. ۲۳۸).

... پس پادشاه روم نماینده‌ای می‌فرستد و درخواست صلح می‌کند مهدی علیه السلام نیز از او می‌خواهد تا جزیه بپردازد پادشاه روم هم می‌پذیرد....

براساس این روایت نیز حضرت مهدی علیه السلام از برخی از اهل کتاب در عصر ظهور جزیه خواهند گرفت.

بنابراین این گونه آیات و روایاتی که دلالت بر وجود اهل کتاب یا دلالت بر جزیه گرفتن از اهل کتاب در عصر ظهور می‌کنند، مخالف با دیدگاه نابودی پیروان سایر ادیان، توسط حکومت مهدوی در صورت عدم پذیرش اسلام است.

پاسخ

در مقام جمع بین آیات و روایاتی که دلالت بر وجود پیروان سایر ادیان و گرفتن جزیه از آنان در عصر ظهور می‌کنند با آیات و روایاتی که دلالت بر نابودی پیروان سایر ادیان و عدم قبول جزیه و توبه از آنان در عصر ظهور می‌کنند، با چشم‌پوشی از مرسل بودن برخی روایات، می‌توانیم بگوئیم، با توجه به اهتمام اسلام بر امر هدایت انسان‌ها، این دو دسته آیات و روایات مربوط به دو دوره پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند. دسته اول مربوط به دوره نخست ظهور و قبل از تشکیل حکومت مهدوی می‌باشد و دسته دوم مربوط به پس از تشکیل حکومت و بعد از ارشاد و هدایت و اتمام حجت با بشر می‌باشد. در آن زمان چنانچه عده‌ای هنوز بر عقیده باطل قبلی خودشان اصرار بورزند به وسیله حکومت مهدوی از بین خواهند رفت و در نتیجه در جهان تنها دین اسلام خواهد بود.

همچنین در مقام جمع می‌توانیم بگوئیم، در عصر ظهور با اثبات حقانیت اسلام و عرضه کردن آن به بشر و دعوت آنها به اسلام، اکثر ملت‌ها به حقانیت اسلام پی خواهند برد و آن را خواهند پذیرفت. تنها عده اندکی بر کیش قبلی خود باقی خواهند ماند، آیات و روایات دسته دوم مربوط به رفتار حضرت مهدی علیه السلام با شریران و فتنه‌گران از این گروه اندکی است که پس از ظهور، اسلام را نمی‌پذیرند. اما آیات و روایات دسته اول مربوط به رفتار آن حضرت با افرادی از این گروه اندک است، که به دنبال فتنه و دشمنی با اسلام نیستند لذا در پناه حکومت مهدوی با پرداختن جزیه به صورت مسالمت‌آمیز زندگی خواهند کرد. و وجود این عده کم، با غلبه اسلام منافاتی ندارد چرا که حکومت مهدوی جهانی است و بیشتر مردم مسلمان خواهند بود.

اشکال دوم

دیدگاه، غلبه اسلام در عصر ظهور و کشته شدن پیروان سایر ادیان در صورت عدم پذیرش اسلام توسط حکومت مهدوی، با اصل عدم اجبار در دین، که از آیات و روایات، مانند آیه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (بقره: ۲۵۶) استفاده می‌شود، سازگار نیست.

پاسخ

موعود اسلام در ابتدای ظهور به تبیین و تبلیغ اسلام می‌پردازد و بشر را به دین اسلام دعوت می‌کنند، برای بیشتر مردم، حقانیت اسلام اثبات می‌شود و لذا اسلام را می‌پذیرند. بنابراین تعداد اندکی غیرمسلمان باقی خواهند ماند. از این تعداد اندک، افرادی که با مسلمانان دشمنی ورزند، توسط حکومت مهدوی نابود خواهند شد. کشتن این افراد به دلیل عدم ایمان آوردن اجباری نیست، چرا که اساساً ایمان اجباری میسور نیست، بلکه کشتن آنان به دلیل دفاع از انسانیت و یکتاپرستی است که از امور فطری بشر است. اما افرادی از آنان که با مسلمانان دشمنی نداشته باشند، با پرداختن جزیه، باقی خواهند ماند، و وجود این عده کم هم، منافاتی با غلبه داشتن اسلام بر سایر ادیان ندارد. و نیز می‌توانیم بگوئیم این تعداد اندک هم با گذشت زمان، بر اثر شنیدن ادله و معارف اسلامی، حقانیت اسلام برای آنان اثبات می‌شود، و همه آنان، هرچند بعد از چند نسل، مسلمان می‌شوند و سرانجام اثری از ادیان دیگر باقی نخواهد ماند.

بررسی و مقایسه رفتار دو موعود با پیروان سایر ادیان

با توجه به چگونگی رفتار موعودی‌هود و اسلام با پیروان سایر ادیان، چنین به دست می‌آید که هر کدام از موعودی‌هود و اسلام، در آغاز ظهور، همه بشر را به دین خود دعوت خواهند نمود. و چنانچه برخی این دعوت را نپذیرند، آنها را از بین خواهند برد. بنابراین هر کدام از موعود

یهود و اسلام، با شریران و مشرکان و نیز پیروان سایر ادیان، که دعوت آنان را به دین خود نپذیرند، رفتار سختی داشته، آنها را از بین خواهند برد. لذا در عصر ظهور همه مردم پیرو یک دین خواهند بود.

از شباهت زیاد در چگونگی رفتار موعود یهود و موعود اسلام، با پیروان ادیان دیگر جهان، چنین به نظر می‌رسد که موعود یهود غیر از موعود اسلام نیست، بلکه موعود در منابع مقدس یهودیت، همان موعود اسلام است، که در آخرالزمان خواهد آمد و با گسترش عدل و داد، پیروانش را نجات داده و دشمنان را نابود خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

براساس تعالیم دین یهود و متون مقدس یهودیان ماسیح پس از ظهور به مبارزه با مشرکان و شریران خواهد پرداخت و زمین را از شرک و شرارت پاک خواهد کرد و پیروان غیریهودی را به شریعت موسوی دعوت خواهد نمود، و آنها نیز آن دعوت را خواهند پذیرفت و چنانچه برخی نپذیرند و به دشمنی با یهود بورزند به وسیله حکومت ماسیح از بین خواهند رفت. حضرت مهدی علیه السلام نیز، براساس آیات و روایات، پس از ظهور به تبیین حقانیت اسلام خواهند پرداخت و همگان را به اسلام دعوت خواهند نمود. اکثر جمعیت زمین، اسلام را خواهند پذیرفت، و اسلام بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد. کسانی که اسلام نیاورند، و با مسلمانان دشمنی کنند، توسط حکومت مهدوی از بین خواهند رفت. البته براساس برخی آیات و روایات، اهل کتاب در عصر ظهور، نیز وجود خواهند داشت. اما با توجه به آیات و روایاتی که دلالت بر غلبه اسلام در عصر ظهور می‌کنند، تنها عده کمی بر کیش قبلی خود باقی خواهند ماند. حضرت مهدی علیه السلام در ابتدا با این گروه اندک با مسالمت رفتار خواهند کرد و از آنها جزیه خواهند گرفت اما پس از امر هدایت و روشن شدن حقانیت اسلام از کسی جزیه قبول نخواهد شد و تنها دین اسلام باید در جهان وجود داشته باشد. و یا از فتنه‌گران جزیه قبول نخواهد شد، ولی برخی اندک که اهل فتنه نباشند، با پرداختن جزیه در لوای حکومت اسلامی به صورت مسالمت‌آمیز زندگی خواهند کرد. و وجود این تعداد کم، منافاتی با غلبه داشتن اسلام ندارد. بنابراین با مقایسه نوع رفتار موعود یهود و موعود اسلام با پیروان سایر ادیان، به این نتیجه می‌رسیم که، براساس هر کدام از تعالیم یهودیت و نیز اسلام، منجی نهایی پس از ظهور، با آگاهی بخشی نسبت به حقانیت دین خود، همگان را به پذیرش آن دعوت خواهند نمود. اکثر پیروان سایر ادیان، آن را خواهند پذیرفت، تنها تعداد اندکی آن دین را نخواهند پذیرفت. براساس متون مقدس یهودی به نظر

می‌رسد رفتار ماسیح با این عده کم سخت خواهد بود به طوری که بسبب اقتدار حکومت ماسیح، یا ملتزم به شریعت موسوی خواهند شد و یا از بین خواهند رفت، چرا که به اعتقاد یهودیان آنها قوم برگزیده خدا و سرور عالم هستند و برکات عصر ظهور در مرحله اول برای قوم یهود است. و اما درباره چگونگی رفتار حضرت مهدی علیه السلام با این گروه اندک، با توجه به آیات و روایات و با توجه به اهتمام اسلام بر امر هدایت انسان‌ها، به نظر می‌رسد که حضرت مهدی علیه السلام در مرحله اول ظهور، از آن گروه اندک جزیه خواهند گرفت و در مرحله دوم ظهور و پس از اثبات حقانیت اسلام و اتمام حجت بر همگان، جزیه و توبه را قبول نخواهند کرد و یا حداقل از فتنه‌گران قبول نخواهند کرد. و لذا ممکن است عده‌ای هرچند کم از پیروان سایر ادیان در لوای حکومت مهدوی با پرداختن جزیه به گونه‌ای مسالمت‌آمیز زندگی کنند. بنابراین در مقایسه نوع رفتار موعود یهود با موعود اسلام، نسبت به پیروان سایر ادیان، تشابه زیادی وجود دارد، و اختلافات، جزئی می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که منجی وعده داده شده در یهودیت همان منجی وعده داده شده در اسلام است.

منابع

- آبراهام کهن، (۱۳۹۰)، *گنجینه‌ای از تلمود*، (امیر فریدون گرگانی، مترجم)، اساطیر. (اثر اصلی در سال ۱۸۸۷ م منتشر شده است)
- آلن، آنترن، (۱۳۹۳)، *باورها و آئین‌های یهودی*، (رضا فرزین، مترجم)، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۶ م منتشر شده است)
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ق)، *علل الشرائع*، کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، اسلامیه.
- توفیقی، حسین، (۱۳۸۴)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، مؤسسه فرهنگی طه.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *تفسیر موضوعی قرآن*، (علی اسلامی، محقق)، اسری.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، *مختصر البصائر*، (مشتاق مظفر، مصحح)، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۹۲)، *عقیده نجات بخش*، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، *تفسیر العیاشی*، (سیدهاشم رسولی محلاتی، مصحح)، المطبعة العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر قمی*، (طیب موسوی جزائری، مصحح)، دارالکتاب.

- گرینستون، جولیوس، (۱۳۸۷)، *انتظار مسیحا در آئین یهود*، (حسین توفیقی، ترجمه)، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصحح)، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، دار إحياء التراث العربی.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، (علی اکبر غفاری، مصحح)، نشر صدوق.
- یزدی حائری، علی، (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف*، (علی عاشور، مصحح)، مؤسسة الأعلمی.
- یسوعی، فاضل سیداروس (۱۹۸۸م)، *معجم اللاهوت الكتابی*، دارالمشرق.